

ضعف انسان ایرانی، در اعتماد و احساس امنیت و رفاه اجتماعی و اقتصادی

نزول اخلاق مدنی در سر‌اشیبی سرمایه اجتماعی

اگر دلار، آن چنان که پیش‌بینی می‌شود، ارزان شود، اگر قیمت‌ها به ثباتی نسبی برسند و جو اقتصادی و بازار، تا حدودی آرام بگیرد، بر سر این همه دلار و طلا و روغن و پوشک و ربی که گران خریداری شده‌اند، چه خواهد آمد؟ آیا با ادامه این روند، شاهد سکنه‌های «۵۹۸» خواهیم بود؟ سکنه‌هایی که خبرش اکنون جسته و گریخته از شهرهای مختلف می‌رسد؛ برای مثال سکنه ۳۰ نفر در شهر یزد، به‌خاطر سقوط قیمت دلار!



آذر فخری، روزنامه‌نگار

اکنون جسته و گریخته از شهرهای مختلف می‌رسد؛ برای مثال سکنه ۳۰ نفر در شهر یزد، به‌خاطر سقوط قیمت دلار!

این رفتارها، برخاسته از نوعی احساس ناامنی نهادینه شده و عدم اعتماد به دولت در توانایی کنترل اوضاع و تامین مردم است. عدم اعتمادی که البته دو سویه است؛ رفتار هم مردم و هم دولت‌مردان، در این مدت نشان داد که تقریباً هیچ ارتباط معناداری بین دولت و مردم وجود ندارد. مردم که بمانند، دولت‌مردان، با زبان نیش و کنایه تا توانستند، مردم را به سخره گرفتند؛ زندگی که از آن فقط دو سال مانده به صرف هزینه‌اش نمی‌ارزد، لنگ بستن و نان خشک خوردن، ماساژ معمولی به جای فیزیوتراپی... انگار مسئولان ما با مردمی از عصر حجر مواجهند که چنین نسخه‌های عجیب و غریب و دور از شان انسان ایرانی می‌پیچند. این‌ها بماند که کار بزرگان را به بزرگان بسپاریم بهتر است و برویم سراغ خودمان که مردم باشیم.

همه چیز به جز سرمایه اجتماعی

مامردمان ایرانی، دارا و ندار، هر چه و هر چه قدر که می‌توانستیم خریدیم و انبار کردیم. البته، این کارها را پنهان و دور از چشم در و همسایه و فامیل هم انجام دادیم و خیلی‌های‌مان حتی انکار کردیم که اصلاً مرتکب چنین رفتار ناپسندی شده‌ایم. اما حالا، در هر خانه‌ای انباری از کالاهای مختلف برای مصرف بیش از یک سال، انبار شده است. مهم همین پنهان کاری است. این پنهان کردن، یعنی

منظور از سرمایه اجتماعی، املاک، دارایی‌های شخصی یا پول نیست. منظور آن چیزی است که باعث می‌شود این اشیاء محسوس در زندگی روزمره‌مان، بیشتر به حساب آیند؛ یعنی حسن نیت، دوستی، احساس همدردی و مراودات اجتماعی بین گروهی از افراد

همسایه، دوست، فامیل عزیز، هر وقت تو نیاز داشته باشی، من چیزی ندارم که به تو بدهم. روی من حساب نکن!

انسان ایرانی، الا ان همه چیز دارد، به جز «سرمایه اجتماعی»، تعبیری که جامعه‌شناسان، برای بررسی کیفیت و کمیت روابط اجتماعی در جامعه از آن استفاده می‌کنند. دکتر ارمکی، جامعه‌شناس در مورد سرمایه اجتماعی می‌گوید: سرمایه اجتماعی، آن منابعی است که افراد و گروه‌ها از طریق «پیوند» یکدیگر «می‌توانند به‌دست آورند.

منظور از سرمایه اجتماعی، املاک، دارایی‌های شخصی یا پول نیست. منظور آن چیزی است که باعث می‌شود این اشیاء محسوس در زندگی روزمره‌مان، بیشتر به حساب آیند؛ یعنی حسن نیت، دوستی، احساس همدردی و

سرمایه اجتماعی، بعد معنوی یک اجتماع است، میراثی تاریخی است که از طریق تشویق افراد به «همکاری» و «مشارکت» در تعاملات اجتماعی، می‌تواند میزان زیادی از معضلات موجود در آن جامعه را حل کرده و حرکت به سوی رشد و توسعه شتابان اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... را امکان‌پذیر کند.

ارمکی تأکید دارد که در واقع، سرمایه اجتماعی، در کنار سرمایه‌های اقتصادی و انسانی، بخشی از ثروت ملی است که بستر مناسبی برای بهره‌برداری از سرمایه انسانی و فیزیکی (مادی) و راهی برای دست‌یابی به موفقیت محسوب می‌شود. بدون سرمایه اجتماعی، هیچ اجتماعی به هیچ سرمایه‌ای نمی‌رسد. بسیاری از گروه‌ها، سازمان‌ها و جوامع انسانی هستند که بدون سرمایه اقتصادی و فقط با تکیه بر سرمایه انسانی و اجتماعی توانسته‌اند به موفقیت دست یابند، اما هیچ مجموعه انسانی، بدون سرمایه اجتماعی نمی‌تواند به راه حل مفید و همدردی برسد. سرمایه اجتماعی، به زندگی فرد، معنا و مفهوم می‌بخشد و زندگی را ساده‌تر و لذت‌بخش‌تر می‌کند. هر چه سرمایه اجتماعی ملتی بیشتر باشد، آن ملت، خوشبخت‌تر و ثروتمندتر خواهد بود.

مقداری سرمایه اجتماعی مورد نیاز است

برخی از ابعاد جنبه‌ها و اشکال سرمایه اجتماعی که گاه از آن‌ها به‌عنوان ارزش‌های اجتماعی نیز یاد می‌شود، عبارت‌اند از: اعتماد، صداقت، حسن تفاهم، سلامتی نفس، همدردی، دوستی، همبستگی، فداکاری و ... این ابعاد از طریق جریان‌های اطلاع‌رسانی مثل آموزش مربوط به مشاغل، تبادل عقاید، تبادل اطلاعات، هنجارهای مربوط به معاملات در شبکه‌های اجتماعی، مشارکت‌های مردمی، گروه‌های خودیاری و نوع دوستی و روحیه جمع‌گرایی در برابر فردگرایی، و ... بین اعضای شبکه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد.

با یک حساب سرانگشتی و با مرور رفتارهای اخیر انسان ایرانی، پی می‌بریم که تا چه حد، این انسان، از نظر سرمایه‌های اجتماعی، فقیر است. واگر رتبه ۱۱۸ را در بین ۱۴۹ کشور به دست آورده، دقیقاً به‌خاطر همین فقر در مشارکت‌ها و همدلی‌های اجتماعی است. علت چنین مشکلی را ارمکی چنین بررسی می‌کند: در جوامعی که امروزه به نام جوامع توسعه‌یافته شهرت دارند، سلطه بخش‌های غیررسمی و رسمی کم شده و مشارکت مدنی مردم افزایش یافته.

در حالی که در جوامع در حال توسعه، مردم گسسته از بخش‌های رسمی

بنابر تحقیقات صورت گرفته موسسه لگا توم، سرمایه اجتماعی در ایران مدام سیر نزولی داشته است و امروز در بین ۱۴۹ کشور جهان، رتبه ۱۱۸ از نظر توجه به سرمایه‌های اجتماعی را دارا است که این مساله با توجه به اتفاقات اخیر اقتصادی و پیامدهای اجتماعی آن، بسیار قابل تامل است

علی‌رغم گرایش به مشارکت مدنی، با خلاء حاصل از فقدان نهادهای مدنی روبه‌رو هستند و در نتیجه نابسامانی و عوارض آن از جمله نارضایتی نظام اجتماعی، خشونت و انواع آسیب‌های اجتماعی افزایش می‌یابد. در جامعه در حال گذار امروز ایران به موازات فروپاشی نظام سنتی، نظام نوین و نهادهای مدنی و جامعه مدنی شکل نگرفته و جامعه و مردم دچار «آنومی» یا نابسامانی شده‌اند.

اعتماد، ارتباط و پیوند

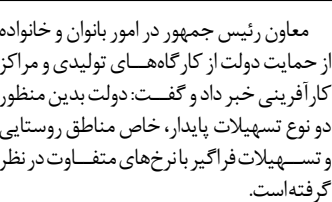
اولین گام برای حرکت به سوی جمع سرمایه اجتماعی، اعتماد است؛ شامل اعتماد به همسایه، همکار، فروشنده، پلیس و خلاصه همه کسانی که در زندگی روزمره با آن‌ها در ارتباطیم. شرکت در فعالیت‌های جمعی برای تحکیم ارتباط‌های اجتماعی؛ افراد جامعه تا چه اندازه در انواع گروه‌های مذهبی، باشگاه‌های ورزشی، سازمان‌های جوانان، انجمن‌های مربوط به والدین، گروه‌های و مؤسسات خیریه، تعاونی‌ها و اتحادیه‌های کارگری، فرهنگسراها و ... فعالیت می‌کنند.

تنوع معاشرت‌ها و دوستی‌های مردم تا چه حد است؟ این حدر میزان ارتباط آن‌ها با افراد، طبقات و گروه‌های بیشتر و متعلق به نژادها و مذاهب مختلف و رابطه دوستی و فرهنگی با آن‌ها مشخص می‌شود.

ما کجاییم؟

ما همان جاییم که موسسه لگاتوم، اشاره کرده، در کمترین و نازل‌ترین و ضعیف‌ترین میزان مشارکت با هم‌دیگر. کافی است یک دوره اجمالی بر رفتارهای اخیر خودمان داشته باشیم. تجمع نفاذی و امتیزه افراد را در میدان فردوسی برای خریدن یا فروختن ارز، تصور کنیم. سبدهای پر از کالایی را که از فروشگاه‌ها خارج می‌شدند، به‌خاطر بیابوریم آن وقت شاید به اهمیت «سرمایه اجتماعی» و میزان فقر خود در این زمینه پی ببریم.

از گوشه و کنار تسهیلات دولت برای حمایت از تولیدی‌ها و مراکز کارآفرینی



معاون رئیس‌جمهور در امور بانوان و خانواده از حمایت دولت از کارگاه‌های تولیدی و مراکز کارآفرینی خبر داد و گفت: دولت در بدین منظور دو نوع تسهیلات پایدار، خاص مناطق روستایی و تسهیلات فراگیر با نرخ‌های متفاوت در نظر گرفته است.

معصومه ابتکار در بازدید از کارگاه دوخت البسه محلی استان لرستان با تمجید از لباس محلی بیان کرد: این البسه در عین دارا بودن نشاط و زیبایی، جزئی از هویت ملی و بومی استان محسوب می‌شود.

وی در خصوص برنامه‌های دولت در حمایت از این کارگاه‌ها تصریح کرد: دولت در جهت حمایت از این گونه کارگاه‌ها و دیگر مراکز کارآفرینی دو نوع تسهیلات پایدار خاص مناطق روستایی و تسهیلات فراگیر با نرخ‌های متفاوت را در نظر گرفته است.

معاون رئیس‌جمهور در امور بانوان و خانواده با اشاره به نقش ایجاد این گونه کارگاه‌ها در ایجاد اشتغال اضافه کرد: با توجه به اینکه این کارگاه‌ها هم بازار داخلی و هم خارجی داشته با کمک استانداری لرستان به طور خاص مورد حمایت قرار خواهند گرفت.

کارگاه صنایع دستی دوخت البسه محلی «جنگ» با حمایت اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری لرستان در سال ۱۳۹۰ ایجاد شده و در حال حاضر اشتغالزایی ۱۵ نفر را به صورت مستقیم فراهم کرده است. این کارگاه در سال‌های ۹۴ و ۹۶ نشان ملی مرغوبیت کالا و در سال ۹۵ عنوان برگزیده لباس محلی لرستان را دریافت کرده است.

ناقص الخلقه‌های لاکچری



۹۷.۷.۷ تاریخ رُند تقویم بود و صدها نوزاد در این روز به اصطلاح ششیک و لاکچری با اصرار والدین‌شان و حتی چند هفته‌مانده به روز موعود، پا به عرصه وجود گذاشتند؛ موجوداتی که جسم پر درشان شد بهای دلخوشی والدین‌شان. «۹۵.۵.۵»، «۹۶.۶.۶»، «۹۷.۷.۷»، سالروز ازدواج، تاریخ تولد پدر، مادر و ... می‌توانند سبایای شوم شوند که سال‌های سال و شاید به اندازه یک عمر دست از سر کودک‌کافی که به زور باید ششیک و باکلاس باشند، بر نمی‌دارند؛ این درحالیست که اگر خانواده‌ها تنها کمی از چگونگی سیستم رشد جنین در ماه آخر بداندند، راضی نمی‌شوند حتی به اندازه یک روز در تاریخ تولد دل‌بندشان دست برند. در این میان برخی بیمارستان‌های خصوصی هم آتش‌بیار معر که می‌شوند و برای اینکه اسکناس‌های بیشتری به جیب‌شان رواله‌شود، دل به‌خوایه‌شدند و مادرهایی می‌دهند که خواهران سزارین کودک‌شان در تاریخ مورد نظرشان هستند. شاهد این ادعائیز آمارهای وزارت بهداشت است؛ طبق اعلام این وزارتخانه، بیمارستانی در یک شهرستان بوده که در تاریخ ۹۶.۵.۶، تعداد ۱۰ عمل سزارین انجام داده، اما در تاریخ ۹۶.۶.۶، حدود ۱۰۴ سزارین داشته است. همچنین بیمارستان خصوصی دیگری در پایتخت در تاریخ ۹۶.۵.۶ فقط ۱۱ سزارین داشته، اما در تاریخ ۹۶.۶.۶ این تعداد به ۲۳۱ عمل سزارین رسیده است؛ موضوعی که دکتر علیرضا ربیسی، معاون بهداشتی وزیر بهداشت آن را فاجعه می‌خواند و می‌گوید: متأسفانه مشکلی که در برخی جوامع به‌ظاهر مترقی می‌بینیم این است که افراد تمایل دارند تاریخ زایمان و تولد نوزادشان را تغییر دهند و مثلاً طبق روز ازدواج یا تاریخ دیگری که مدنظرشان است، زایمان را تنظیم کنند. به همین دلیل مثلاً اگر قرار است کودک‌شان در ۹۷.۷.۲۰ متولد شود؛ طوری در نامه‌ریزی می‌کنند که به‌صورت سزارین نوزاد را در ۹۷.۷.۷ به دنیا آورند تا تاریخ تولد جالبی از کار درآید، اما این کار فاجعه است و واقعاً اینطور رفتار کردن با سلامت نوزادان و نسل آینده کشور نگران‌کننده است.

میل به خودآرایی دختر بچه‌ها را مهار کنیم



فاطمه ناصح، دکترای روان‌شناسی عمومی

دختر بچه‌ها بدون شک پاک‌ترین و معصوم‌ترین فرشته‌های روی زمین هستند که در دنیای فانتزی و کودکانه خویش دائماً خود را در نقش مرد بودن تجسم می‌کنند تا چشم‌بزرگترهایشان را بدور می‌بینند به تقلید از آنها به‌طور شتاب‌دهی رفتارهایشان را تکرار می‌کنند. یکی از این رفتارها تمایل دختر بچه‌ها به خودآرایی و آرایش کردن است؛ از این‌رو در هر فرصتی که گیر می‌آورند، آن را غنیمت شمرده و صورت خود را همچون دفتر نقاشی رنگ آمیزی می‌کنند. ناگفته نماند که علاقه به آراستن و زیبا نشان دادن یک میل طبیعی در سرشت آدمیان است که این تمایل در دوران کودکی و نوجوانی به‌طور چشمگیری افزایش پیدا می‌کند. روان‌شناسان معتقدند کودکان بیش از آنچه که می‌پندارید رفتار و اعمال شما را زیر نظر دارند و هر تمایلی که به‌طور افرافی در آنها فرو می‌یابد، بی‌شک تحت تأثیر الگوگیری و تقلید والدین و

لوازم آرایشی مادر، پوشیدن کفش‌های پاشنه‌دار و لباس‌های می‌خواهند زیبایی و بزرگ شدنشان را به‌معرض نمایش بگذارند. در واقع روان‌شناسان معتقدند تا زمانی که این همانندسازی تحت کنترل باشد و منجر به «بلوغ زودرس» کودک نشود مساله‌ای طبیعی است. از این‌رو به والدین تأکید می‌شود زیبایی ظاهری و باطنی فرزندان دخترشان را تمجید کنند؛ به‌طور دائم حس ارزشمند بودن را به آنها هدیه کنند و از نصیحت‌های انتقادآمیز از نحوه رفتار، نوع لباس پوشیدن و نحوه آرایش فرزندان‌شان به‌شدت خودداری نمایند.

با توجه به مطالب مطرح شده روان‌شناسان اظهار دارند

اودنظر می‌گیرید استفاده کنند. روان‌شناسان معتقدند با توجه به رشد فزاینده تکنولوژی، شبکه‌های مجازی و موهوهای و دسترسی به شبکه‌های اینترنتی کودکان خیلی زود ترسور بعترا نسل‌های قبل متوجه‌برخی از مسائلی می‌شوند که متناسب با نشان نیست. همین تغییرات گسترده آگاهی‌های پیش از موعد مقرر می‌تواند زمینه‌ساز بروز «بلوغ زودرس» در کودکان باشد. در واقع «بلوغ» یکی از دوران‌های مهم و حساس در زندگی هر کودک و نوجوانی است که در این مرحله از زندگی بیش از گذشته نیاز به توجه، محبت و برقراری روابط عمیق و صمیمانه دارند. از این‌رو به پدران و مادران تأکید می‌شود باید یک‌شدن این مرحله از زندگی فرزندان‌شان. هر والدی با فرزندانده مجلس خود را به‌ر خدادها و تغییرات پیش آمده در این دوره گفتگو کند. حال با توجه به موضوع صحبت‌مان که درباره دختر بچه‌ها است، از مادران همچنین درخواست می‌شود علاوه بر صحبت درباره بهداشت جنسی این دوران، در مورد پرورش روحیه خودباوری و راه‌های افزایش اعتماد به نفس با دخترشان نیز به‌صحبت‌بپردازند. بر اساس تحقیقات روان‌شناسی مشخص شده کودکان در حدود سن ۳ تا ۵ سالگی به جنسیت خود پی می‌برند و طبق اصول روان‌شناسی در بین ۵ تا ۸ سالگی برای آنکه حس استقلال و بزرگ شدنشان را به والدین نشان دهند، از طریق حسادت‌ورزی به رقابت با والد هجنس خود می‌پردازند. دختر بچه‌ها نیز از این قاعده مستثنی نیستند و با استفاده از